

پناهیان: بعد از ظهور، مبارزه با نفس چگونه خواهد بود؟

پناهیان: مسیر رشد انسان، همیشه در بُریدن از علاقه‌های بد یا خوب است. بالاخره انسان باید علایق خود را قربانی کند. و این راهی است که انسان -در هر زمان و هر دوره‌ای- در پیش روی خود دارد؛ چه قبل از ظهور و چه بعد از آن. به هر حال شرایط ما تغییر می‌کند ولی اصول حرکت ما تغییر نخواهد کرد.

به مناسبت نیمه شعبان، حجت الاسلام پناهیان در ادامهٔ جلسات هفتگی، به نسبت میان بحث تنها مسیر و دوران بعد از ظهور پرداخت. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در این جلسه را می‌خوانید:

بعد از ظهور که عوامل تحریک انسان به بدی‌ها از بین می‌رود، مبارزه با نفس و رشد ما چگونه خواهد بود؟

• ما الان در فضایی قرار داریم که عوامل زیادی وجود دارد که انسان‌ها را به گناه تحریک می‌کند و آنها را به رفتار غلط وادار می‌کند و اکثر این تحریکات هم از جانب قدرتهایی صورت می‌گیرد که از بدی و ضعف انسان‌ها سوء استفاده می‌کنند و از آن سود می‌برند. البته در چنین فضایی ما با مفهوم مبارزه با هوای نفس آشنا هستیم و می‌دانیم که یک عده‌ای دارند ما را به سمت بدی‌ها سوق می‌دهند و ما هم باید با آن بدی‌ها مبارزه کنیم و خودمان را به سمت خوبی‌ها بکشانیم و رشد کنیم.

• سؤالی که مطرح است این است که بعد از ظهور، وقتی این قدرتهایی که انسان‌ها را وادار به بدی‌ها می‌کنند و وسوسه‌های ابلیس و سوء استفاده از ضعف انسان‌ها و فریب دادن آنها از بین می‌رود، و عوامل تحریک و خراب شدن انسان‌ها تا حد زیادی از بین خواهد رفت، در آن زمان مفهوم مبارزه با هوای نفس، چگونه خواهد بود و چگونه مسیر اصلی ما برای کمال و سعادت باز هم مبارزه با هوای نفس خواهد بود؟

• الان ما در فضای بدی قرار داریم و با تمایلات تحریک‌شدهٔ بد خودمان مواجه هستیم که باید با آنها مقابله کنیم، ولی بعد از ظهور حضرت که فضا خوب می‌شود، یعنی عوامل تحریک تمایلات بد از بین می‌روند و رشد ما در تبعیت از علاقه‌های خوب‌مان، مسیر راحتی خواهد داشت، در آن زمان چگونه رشد خواهیم کرد؟ ما که منطبق زندگی و بندگی را، مبارزه با تعلقات بی‌ارزش (بد) و کم‌ارزش معرفی کرده‌ایم، آن موقع با چه چیزی باید مبارزه کنیم، تا رشد کنیم؟

علاقه‌های خوب هم مراتبی دارند؛ گاهی به نفع علاقه‌های برتر باید از علاقه‌های خوب هم بگذریم

• پاسخ روشن است؛ شما در هر زمانی که باشید (حتی در زمان ظهور) و علاقه‌های خوبی هم داشته باشید، این علاقه‌های خوب نسبت به یکدیگر، مراتبی دارند. بعضی از این علاقه‌های خوب، اولویت پیدا می‌کنند و شما از این علاقه‌های خوبی که در مقایسه با علاقه‌های برتر اولویت ندارند، باید بگذرید.

• حضرت ابراهیم (ع) که اسماعیل خودش را دوست داشت، این علاقهٔ ایشان قطعاً یک علاقهٔ خوب بود نه یک علاقهٔ بد. حضرت اسماعیل (ع) شخصیت بسیار برجسته‌ای بود و تمام ویژگی‌های اهل ایمان را داشت، و ابراهیم (ع) به چنین فرزندی علاقه‌مند شده بود. منتها ابراهیم (ع) مجبور شد به امر الهی، همین پسر را قربانی کند.

• سلوک ابراهیم (ع) را ببینید! آیا ایشان مبارزه با هوای نفس نداشت؟ آیا او دچار علاقه‌های بد بود که باید آن علاقه‌های بد را از بین می‌برد؟ به هیچ وجه! ایشان بهره‌مند از علاقه‌های خوب بود، منتها مسیر رشد انسان، همیشه در بُریدن از علاقه‌های بد یا خوب

است. بالاخره انسان باید علایق خود را قربانی کند. و این راهی است که انسان -در هر زمان و هر دوره‌ای- در پیش روی خود دارد؛ چه قبل از ظهور و چه بعد از آن. به هر حال شرایط ما تغییر می‌کند ولی اصول حرکت ما تغییر نخواهد کرد.

- مسیر برای انسان این‌گونه تعریف شده است که انسان به نفع علاقه‌های بهتر باید از علاقه‌های کمتر بگذرد. هرچند ممکن است این علاقه‌های کمتر، خودشان فی‌نفسه علاقه‌های خوبی باشند و این دستورات و امتحانات الهی هستند که تعیین می‌کنند ما الان از کدام علاقه باید بگذریم و درگیر چه موضوعی باشیم.
- ممکن است کسی به خدمت کردن به مردم علاقه داشته باشد، ولی یک کار با اولویت سر راهش پیش بیاید، مثلاً اینکه مجبور شود از مادر سالخورده یا بیمار خودش نگهداری کند. در چنین شرایطی، او باید از این علاقهٔ خوب (خدمت کردن به مردم) به خاطر اولویت دیگری که پیش آمده، بگذرد.

الان مبارزه با نفس ما غالباً برای نجات از جهنم است، اما پس از ظهور غالباً برای رسیدن به اوج قله‌های

بهشت خواهد بود

• الان بسیاری از مبارزه کردن‌های ما با علاقه‌های بی‌ارزش مبارزه‌هایی است که ما را از جهنم نجات می‌دهد. ولی بعد از ظهور مبارزه‌های ما با علاقه‌های نسبتاً بی‌ارزش، مبارزه‌هایی است که ما را در مسابقه برای رسیدن به اوج قله‌های بهشت موفق می‌کند.

• الان غالباً این‌طور است که ما می‌خواهیم از جهنم نجات پیدا کنیم ولی آن زمان (پس از ظهور) زندگی ایمانی ما این‌گونه خواهد بود که غالباً انگیزهٔ ما «بهتر شدن» است نه فرار از جهنم. اصلاً فلسفهٔ امتحانات الهی همین است که ما بهتر شویم نه اینکه خودمان را از جهنم نجات دهیم. خداوند می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَتْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک/۲) یعنی امتحانات الهی برای این است که معلوم شود چه کسی بهتر است. امیدواریم فضای جامعه ما فضای رقابت برای بهتر شدن باشد. و در زمان حکومت امام زمان (ع) این مسابقه یا رقابت برای بهتر شدن، به صورت واقعی‌تر شکل خواهد گرفت.

• اگر فضای جامعه، فضای حکومت امام زمان (ع) باشد و اگر دست شیطان بسته باشد، باز هم ما مبارزه با هوای نفس خواهیم داشت. در همان زمان هم ما استغفار خواهیم داشت، مثل اهل بیت (ع) که همیشه استغفار می‌کردند. محنتی که انسان باید در این زندگی دنیا تحمل کند، بعد از تقرب الی الله هم خواهد بود، تازه این محنت بیشتر هم می‌شود؛ «محنت قرب ز بُعد افزون است، جگر از محنت قریم خون است» یعنی در ادامهٔ این مسیر هم، همین اصول و قواعد وجود دارد منتها در یک فضای بسیار عالی‌تر و نورانی‌تر، این راه طی می‌شود.

• از امام صادق (ع) پرسیدند: «راهی که انسان به راحتی برسد، چیست؟ فرمود: مخالفت با هوای نفس. پرسیدند: چه موقع انسان به راحتی می‌رسد؟ فرمود: اولین روزی که وارد بهشت می‌شود؛ قِيلَ لَهُ: أَيْنَ طَرِيقُ الرَّاحَةِ؟ فَقَالَ ع: فِي خِلَافِ الْهَوَى. قِيلَ: فَمَتَى يَجِدُ عِبْدُ الرَّاحَةَ؟ فَقَالَ ع: عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ» (تحف العقول/ص ۳۷۰) یعنی هر قدر هم که رشد کنید، باز هم این مخالفت با هوای نفس تا آخرین لحظهٔ عمرتان وجود دارد. اصلاً معنای هوای نفس این است: «به هر علاقه‌ای که ارزش انسان را پایین بیاورد، هوای نفس گفته می‌شود». پس ممکن است در یک مقطعی (در یک مرحله‌ای)، علاقهٔ به یک کار خوب، ارزش شما را پایین بیاورد و آن کار خوب مصداق هوای نفس باشد. تکلیف ما در دنیا این است که همیشه باید آمادهٔ مبارزه با هوای نفس باشیم.

الان به خاطر سخت بودن شرایط، اجر و پاداش ما نسبت به دوران پس از ظهور بیشتر است، پس چرا برای فرج دعا کنیم؟

- ممکن است این سؤال مطرح شود که: فرق ما با کسانی که در آن زمان (پس از ظهور) رشد می کنند، چیست؟ الان این همه عواملی که ما را به سمت بدی ها می کشاند در اطراف ما وجود دارد، آیا مبارزه ما با بدی ها سخت تر نیست؟! بله، الان مبارزه ما با بدی ها سخت تر از زمانی که است عوامل تحریک کننده انسان ها به سوی بدی ها از بین می رود و به همین خاطر، اجر ما هم بیشتر از آن زمان خواهد بود. طبیعتاً آن موقع که مبارزه ما آسان تر می شود، اجر ما هم کاهش پیدا می کند.
- پس این سؤال پیش می آید که: اگر الان اجر ما بیشتر است، اصلاً چرا باید برای فرج حضرت دعا کنیم؟ الان خیلی بیشتر می توانیم اجر و پاداش کسب کنیم! الان با این همه سختی هایی که می کشیم، با این همه تهاجم هایی که به ما می شود و این همه مظلومیت ها و غربت هایی که تحمل می کنیم، بیشتر اجر می بریم، پس اصلاً چرا برای فرج حضرت دعا کنیم؟ الان اجر و پاداش ما بالاتر است و گناهان ما راحت تر بخشیده می شود، پس چرا برای فرج دعا کنیم؟
- می دانید الان آن مظلومینی که اسلحه به دست گرفته اند و در این غربت شدید، دور کربلا و نجف و سامرا دارند از حرم اهل بیت (ع) دفاع می کنند، چقدر اجر می برند؟ واقعاً اجر و پاداش آنها بی نظیر است. بعد از ظهور حضرت به سادگی چنین ثواب هایی گیر نمی آید. پس ما چرا باید برای فرج دعا کنیم؟
- البته این سؤال درست است ولی ناشی از یک نگاه خودخواهانه است. شبیه همین سؤال را یکی از اصحاب امام صادق (ع) از ایشان پرسید و امام صادق (ع) در پاسخ فرمود: آیا دوست ندارید که خداوند حق و عدل را در همه دنیا ظاهر کند و آن را غلبه دهد؟! نباید فقط به مقدار ثواب خودتان نگاه کنید. این همه مردم در این دنیا زندگی می کنند که با خدا آشنا نیستند، دل تان برای این مردم بسوزد! دل تان برای حقی بسوزد که پشت پرده غیبت است! (عَنْ عَمَارِ السَّائِطِي قَالَ: قُلْتُ لِأَيِّ عَبْدِ اللَّهِ عَ أَيُّمَا أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ فِي السَّرِّ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الْمُسْتَبِرُ فِي ذَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَوْ الْبَيِّنَةُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَ ذَوْلِيهِ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرُ فَقَالَ يَا عَمَارُ الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ كَذَلِكَ وَاللَّهُ عِبَادَتُكُمْ فِي السَّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَبِرُ فِي ذَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ تَخَوُّفُكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي ذَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ خَالِ الْهُدْيَةِ أَفْضَلُ مِمَّنْ يُعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذِكْرُهُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ إِمَامِ الْحَقِّ الظَّاهِرِ فِي ذَوْلَةِ الْحَقِّ... قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا تَرَى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ وَيُظْهِرُ الْحَقُّ وَ نَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَ طَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالاً مِنْ أَصْحَابِ ذَوْلَةِ الْحَقِّ وَ الْعَدْلِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تُجِيبُونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَقُّ وَ الْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْضِهِ وَ تَقَامَ حُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ وَ بَرَدُ اللَّهُ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؛ کافی/ ۳۳۳/۱ و ۳۳۴)
- وقتی برای فرج دعا می کنیم، به اجر و پاداش خودمان نگاه نمی کنیم، بلکه مسأله ما این است که مظلومین عالم نجات پیدا کنند و اذیت نشوند. دغدغه ما این است که حق از پشت پرده غیب بیرون بیاید و خودش را نشان دهد و کسانی که از معرفت پروردگار محروم هستند، محرومیت شان برطرف شود. و این دغدغه، خیلی سطح بالایی دارد.
- دعا برای فرج در واقع دعایی است که سطحش خیلی بالاست و خیلی عارفانه است و کار دشواری است. هر کسی نمی تواند واقعاً برای فرج دعا کند. اگر کسی باشد که مشکلات زندگی به او فشار آورده و در اثر این مشکلات، برای فرج دعا کند، آیا این دعا برای فرج، اصیل است؟! خودمان می دانیم که این دعا اصیل نیست.

- دعا برای فرج به تعبیری شبیه این است که بگوییم: «خدا! من هیچ! ولی نمی خواهم امام زمان (ع) پشت پرده غیبت باقی بماند، من ناراحت هستم از اینکه صدای امام زمان (ع) به گوش مردم عالم نمی رسد؟ چرا ایشان باید محدود و محصور باشد؟ چرا باید پشت پرده غیبت باشد و مردم از او بهره نبرند؟! چرا نباید حق، تجلی کند؟!» دعای ندبه را ببینید! در قسمت های اوج دعای ندبه، حتی دیگر بحث نجات مظلوم و تحقق عدالت هم نیست، بلکه بحث تجلی حقیقت است. آنجایی که می گوید: «عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُلُكَ الْوَرَى» (المزار الكبير/ص ۵۸۲) یعنی این برای من قابل تحمل نیست که مردم به تو اعتنا نداشته باشند. حتی نمی گوید: این همه ظلمی که در جهان صورت می گیرد، برای من قابل تحمل نیست، بلکه سطح دعا از این هم بالاتر است و می گوید: همین که این آقا، پشت پرده غیبت است، خودش بزرگترین ظلم است. اینکه صدای این آقا شنیده نمی شود ظلم است. «وَ لَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَ لَا نَجْوَى» (المزار الكبير/ص ۵۸۱) یعنی نمی توانم تحمل کنم که صدای تو شنیده نشود.
- البته الان لازم نیست که ما زیاد عارف باشیم و از روی عرفان بالای خودمان برای فرج دعا کنیم، همین الان اگر به مظلومینی که هر روز در عراق به شهادت می رسند، سرهایی که بریده می شود، خانه هایی که ویران می شود و داغ ها و مصیبت هایی که به دل ها می نشیند، نگاه کنیم و همین مقدار وجدان داشته باشیم که با دیدن این مصیبت ها، داغدار شویم، کافی است که مضطربانه برای فرج دعا کنیم. به لحظاتی فکر کنید که شما در آرامش هستید ولی این مؤمنین مظلوم در اضطراب هستند و جان های زیادی به شهادت می رسند، به خانواده هایی که به آنها تعدی می شود و کودکانی که سر از بدن شان جدا می شود فکر کنید و برای فرج دعا کنید.

هر جایی هستید برای رزمندگان خط اول مقاومت برنامه دعا و مناجات بگذارید

- در این ایام، هر جایی که هستید برای رزمندگان خط اول مقاومت که در مقابل تکفیری ها ایستاده اند، برنامه دعا و مناجات بگذارید، همین دعای شما خیلی مهم است. دعای توسل بگذارید و برای مردم عراق دعا کنید که بتوانند علیه تکفیری ها مقاومت کنند. ان شاء الله وقایع هولناک عصر ظهور، با مقاومت های رزمندگان مقاومت و با دعاهای شما، رقیق شود و جنایات کمتری اتفاق بیفتد. حتماً بنا نیست که سفیانی آن همه جنایت کند و بعدش ظهور رخ دهد. ما می توانیم این شرایط را تغییر دهیم. شاید یکی از عواملی که می تواند مؤثر باشد در اینکه آن همه جنایت ها اتفاق نیفتد، همین دعاها و همین مقاومت ها باشد.
- شرایط خیلی تغییر کرده است. واقعاً تحول ایجاد شده است. الان بروید ببینید اطراف کربلا و سامرا چه خبر شده است! از اقصی نقاط رفته اند و دور حرم عسکریین را گرفته اند و از خانه امام زمان (ع) محافظت می کنند. از الطاف خفیه الهی هم این است که این حملات اخیر تکفیری ها (به سامرا) با نیمه شعبان مصادف شده است و طبیعتاً شیعیان در این ایام میلاد امام زمان (ع) انگیزه و شوق بیشتری برای دفاع از خیمه گاه حضرت دارند.
- درست است که این مؤمنین برای دفاع از حرم اهل بیت (ع) دیر رسیده اند و حدود ۱۴۰۰ سال دیر آمده اند، ولی بالاخره آمدند و این خیلی مهم است. منتها این مؤمنین کجا بودند وقتی که امام حسین (ع) دعوت می کرد و می فرمود: آیا کسی هست از خیمه گاه من دفاع کند... دفاع کند...

